

حکمرانی چندذینفعی اینترنت و حقوق بین‌الملل: مفاهیم رایج یا رویکردی نوین؟

امیرساعتد وکیل^۱ - حسام نوروزپور^۲

دریافت: ۱۳۹۷/۹/۷ - پذیرش: ۱۳۹۸/۷/۶

چکیده

حکمرانی چندذینفعی جدیدترین دستاورد دکترین حقوقی در زمینه چگونگی تنظیم قواعد و مقررات حاکم بر اینترنت (بعنوان مصداق بارز فضای سایبر) است که بصورت جدی و عملیاتی از سال ۲۰۰۳ و با نخستین نشست اجلاس جهانی در خصوص جامعه جهانی (WSIS) مطرح و با اقبال دولت‌ها و سایر ذینفعان حوزه سایبر مواجه گردید. در واقع معماران این شکل از حکمرانی جهانی می‌کوشند با استفاده از مفاهیم و قواعد رایج در حقوق بین‌الملل به ساماندهی عرصه‌ای پردازند که برخلاف حقوق بین‌الملل کلاسیک تنها تابعان فعال آن دیگر دولت‌ها و تاحدودی سازمان‌های بین‌المللی نیستند و این بار ذینفعانی چون گروه‌های اجتماعی (افراد) و شرکت‌های خصوصی دارای نقش و تاثیر عمده شده‌اند.

این مقاله با روش تحلیلی-توصیفی به نقش و میزان تاثیرگذاری هر یک از این ذینفعان در آینده حکمرانی اینترنت، بسترها و مفاهیم قابل اعمال حقوق بین‌الملل در این عرصه از قبیل حقوق نرم و سازمان‌های بین‌المللی مرتبط و در نهایت اشکالات و معایب موجود این شیوه می‌پردازد.

واژگان کلیدی: اینترنت، حقوق بین‌الملل، حقوق سایبر، حقوق نرم، حکمرانی چندذینفعی

۱. استادیار حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول) vakil.a@ut.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری حقوق فناوری، دانشگاه هنگ کنگ، هنگ کنگ hessamnrouzpour@gmail.com

مقدمه

این واقعیت که اینترنت، بعنوان پدیده‌ای که عمده رشد و بقای خویش را مدیون توسعه دهندگان خصوصی^۱ است، نه تنها برای مرزهای ژئوپولیتیک اهمیت قائل نمی‌شود و برعکس در قامت پدیده‌ای نوظهور اغلب در جهت تضعیف این مرزهای سنتی حرکت می‌نماید. برای بسیاری از نظریه‌پردازان حقوق بین‌الملل که تاکنون به "وضع قوانین برایتابعان منفعل (اشخاص)" از سوی حاکمیت‌ها معتقد بوده و برای اشخاص حق شناخته شده‌ای (Jus Standi) در حقوق بین‌الملل قائل نبوده‌اند، مسئله‌ای بغرنج محسوب می‌شود اما در هر صورت نمی‌توان منکر این حقیقت شد که برای تنظیم مقررات اینترنت و جلوگیری از ایجاد فضایی آناارشیستی در این قلمرو نوین بین‌المللی^۲ ناگزیر باید واقعیت‌های آن را پذیرفته و مطابق با آن اقدام نماییم. آنگونه که یکی از نویسندگان عنوان نموده: «دیگر مسئله این نیست که آیا کلیت فضای سایبر را می‌توان یا باید تحت مقرراتی درآورد، بلکه اکنون اینسوال مطرح است که تا چه اندازه می‌توان یا حوزه‌های مشکل‌آفرین در این فضا را قانون‌پذیر نمود»^۳. امری که امروزه بسیاری از دولت‌ها نیز بدان معترفند؛ چنانکه در دستور کار اجلاس راهبری اینترنت (IGF)^۴ در تونس در ذیل عنوان اهداف، تبیین شده است: «بدینوسیله اعلام می‌کنیم بسیاری از مسایل مرتبط با سیاست عمومی بین‌المللی نیازمند توجه جدی‌تری بوده و نمی‌توان با مکانیسم فعلی بدان‌ها پرداخت»^۵. در واقع امروز مشخص شده که صرف وضع قانون بالادستی چندان با ساختار فضاهای نوظهوری چون اینترنت مطابقت ندارد. از همین روست که در سال‌های اخیر مکانیسم‌ها و راهکارهای خاصی اتخاذ شده‌اند که معانی واژگان آشنا و قدیمی تا حدود زیادی در آنها قلب شده است. در این مکانیسم حاکمیتی نوین، دیگر قانون به معنای اراده

1. Individual Developers.

۲. هرچند برخی از نویسندگان و البته ایده‌پردازان دنیای سایبر نه تنها آناارشیسم را جزء ذات و ماهیت این جهان می‌دانند بلکه از آن به مثابه امری سودمند و به نوعی قاعده‌ساز برمی‌شمارند. برای آگاهی بیشتر بنگرید به:

Jeremy Malcolm, *Multi-Stakeholder Governance and the Internet Governance Forum* (Atlanta: Terminus Press, 2008).

3. Stuart Biegel, *Beyond Our Control? Confronting the Limits of Our Legal System in the Age of Cyberspace*, (Cambridge: MIT Press, 2001) at 119.

4. Internet Governance Forum.

5. WSIS, Tunis Agenda for the Information Society, Retrieved from: www.itu.int/net/wsisis/documents/doc_multi.asp?lang=en&id=2267|0 (Accessed August 2018) para 60.

یک‌جانبه و تحمیلی قانونگذاران ملی یا نهادهای بین‌المللی نیست بلکه مجموعه‌ای از "ارزش‌ها"، "هنجارها"، "فرهنگ‌ها"، "حقوق نرم" و "حقوق سخت" در معنای کلاسیک خود است. همچنین در واژه‌شناسی جدید، حاکمیت امری فراتر از حکومت با اجزای سه‌گانه مجریه، مقننه و قضاییه تلقی شده و در واقع به مفهوم مدیریت نزدیک‌تر شده و سه مولفه بازارها، شبکه‌ها^۲ و سلسله‌مراتب^۳ در آن متبلور است. در واقع تنها مولفه "سلسله‌مراتب" است که به شکلی از حاکمیت شامل بکارگیری قوانین و مقررات بروکراتیک برای نظم‌دهی اشاره می‌نماید اما در مقابل شبکه‌ها شکل پیچیده‌تری از حاکمیت هستند که بر رابطه مبتنی بر اعتماد میان دولت‌ها، بخش خصوصی و جامعه و آیین تصمیم‌گیری‌های مشارکتی دلالت می‌نماید. هرچند درصدد پیشنهاد یک مدل حکمرانی مبتنی بر حضور تمامی ذینفعان در اینترنت هستیم اما نباید فراموش کنیم که این اتفاق در یک عرصه بین‌المللی که از پیش واجد قوانین، عرف‌ها و هنجارهای خاص خود یعنی کلیت حقوق بین‌الملل می‌باشد، صورت می‌پذیرد. از سوی دیگر هرچند شهروندان^۴ این قلمرو جدید در یک سرزمین ماهیتاً فاقد مرز حاضر شده‌اند اما در عین حال نمی‌توان منکر این واقعیت شد که آنها همچنان اتباع یک حاکمیت واقعی و محدود به مرزهای سرزمینی و دارای قواعد خاص خود هستند. در این پژوهش با توجه به عدم وجود پیشینه پژوهشی مشابه در ایران، ضمن بررسی تفصیلی اجزاء مفاهیم و بسترهای نظریه حاکمیت چندذینفعی اینترنت، در پی پاسخ به این سوال هستیم که چگونه می‌توان با تکیه بر نهادها و مفاهیم موجود در حقوق بین‌الملل میان تعاریف و چارچوب‌های از پیش پذیرفته شده این حوزه با نیازهای عرصه نوین اینترنت ارتباطی منطقی و مورد قبول تمام ذینفعان برقرار نمود؛ در همین راستا ابتدا تعریفی از حکمرانی در اینترنت بیان شده و سپس به تحلیل مکانیسم حکمرانی چندذینفعی در این فضا و آسیب‌ها و نقاط قوت آن، تعریف ذینفعان واقعی و روند تصمیم‌گیری در امر حکمرانی و رویکرد حقوق بین‌الملل نسبت به آن پرداخته می‌شود. در نهایت به ساختار و عملکرد اجلاس جهانی در خصوص جامعه اطلاعاتی (WSIS) بعنوان مهمترین نهاد تاثیرگذار در این شیوه حکمرانی اشاره خواهیم نمود.

-
1. Markets.
 2. Networks.
 3. Hierarchy.
 4. Netizen.

۱. حکمرانی در اینترنت

حکمرانی اینترنت در معنای اخص خود به مجموعه‌ای حیاتی و به لحاظ ارتباطی بسیار ضعیف، از سیاست‌های مربوط به هماهنگی جهانی در خصوص اسامی و نشانی دامنه‌ها اشاره دارد. مشکلات ناشی از این عدم هماهنگی در دهه ۹۰ میلادی منجر به ایجاد موسسه‌ای بسیار مهم و تاثیرگذار به نام آیکان (ICANN)^۱ گردید. از آن پس اصطلاح حکمرانی اینترنت بسیار معمول شد. کارگروه سازمان ملل متحد در خصوص حکمرانی اینترنت (WGIG)^۲ تعریف موسعی از این اصطلاح بعمل آورد و آن را شامل تمامی "اصول، هنجارها، قواعد، آیین‌های تصمیم‌گیری مشترک و برنامه‌هایی که منجر به شکل‌گیری، تحول و استفاده از اینترنت می‌گردد"^۳ دانست. تعریف ارائه شده بر آن تاکید داشت که این آیین‌های تصمیم‌گیری صرفاً مختص دولت‌ها نیست و بر بخش خصوصی و جامعه مدنی نیز دلالت می‌کند.^۴ این گزارش برای نخستین بار بر جایگاه بازیگران غیردولتی در حکمرانی اینترنت تاکید و تقریباً به تمام مشکلات سنتی در خصوص سیاست‌های ارتباطی و اطلاعاتی اشاره نمود؛ در عین حال این تعریف از یک جنبه بسیار مهم باز هم بسیار مضیق می‌نمود و آن اینکه حکمرانی را در درجه نخست در قالب نهادهای سیاستگذار رسمی‌ای چون سازمان ملل و آیکان می‌دید اما حکمرانی اینترنت، پدیده‌ای غیرمتمرکز و نوظهور است که از تعامل میان هزاران کنشگر شبکه و ارائه دهنده خدمات اینترنتی (ISPs)^۵ و کاربران عادی با رعایت پروتکل‌ها، پدید می‌آید.^۶ تعمیق درک ما از اجزای حکمرانی اینترنت می‌تواند منجر به نتایج مهمی شود. روندی فناورانه تحت عنوان "همبستگی دیجیتال"^۷ اینترنت را به بستری یکپارچه برای تمامی اشکال اطلاعات و رسانه بدل ساخته است. تمامی این اطلاعات و رسانه‌ها که از فناوری‌های مختلف برای انتقال بهره برده و تحت نظام‌های حقوقی و تنظیماتی مختلف قرار داشتند امروزه

1. The Internet Corporation for Assigned Names and Numbers.

2. The UN Working Group on Internet Governance.

3. Report of the Working Group on the Internet Governance, 2005, chapter 4, p.9. Retrieved from: www.wgig.org/docs/WGIGREPORT.pdf (Accessed September 2018) para 9.

4. Ibid. para 10.

5. Internet Service Providers.

6. M. Mueller & B. Wagner, *Finding a Formula for Brazil: Representation and Legitimacy in Internet Governance*, Internet Policy Observatory (blog), 2014, available at: http://www.internetgovernance.org/wordpress/wp-content/uploads/MiltonBenWPdraft_Final_clean2.pdf. (accessed September 2018).

7. Digital Convergence.

در ذیل پروتکل‌های اینترنت به هم پیوسته‌اند. بنابراین آنچه که شکل‌گیری، تحول و استفاده از اینترنت را ممکن می‌سازد شامل قوانین، سیاست‌ها و مقرراتی است که بیشتر بر رسانه‌هایی چون تلویزیون، روزنامه، سیاست‌های اطلاعاتی دولت‌ها، مالکیت معنوی، ارتباطات از راه دور و حفظ محرمانگی حاکم بودند.^۱ دامنه موضوعات تحت حاکمیت اینترنت بسیار وسیع است و شامل: نظارت و ممیزی محتوا، حمایت از علایم تجاری و مالکیت معنوی، حفظ حریم شخصی، اصول اقتصاد خدمات ارتباطی و استانداردهای فنی است. البته برخی از قواعد صرفاً مختص اینترنت و فضای سایبر است که از آن جمله می‌توان به جنگ سایبری و امنیت سایبری اشاره نمود.

دو مقطع و نقطه عطف را می‌توان برای تحول مفهوم حکمرانی اینترنت بعنوان نقطه کانونی تعیین‌گرایش بین‌المللی در این زمینه بیان نمود. همانطور که پیشتر بیان شد یکی از آنها تاسیس آیکان (ICANN) در سال ۱۹۹۸ بود. آیکان محصول ساختار یکسویه نظام جهانی تحمیلی از سوی ایالات متحده آمریکا و بر طرحی تازه و غیردولتی بنا شده است. مورد بعدی اجلاس جهانی در خصوص جامعه اطلاعاتی (WSIS)^۲ سازمان ملل بود، مجموعه‌ای از کنفرانس‌های دیپلماتیک چندجانبه، با محوریت دولت‌ها که نخستین دور آن از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵ برگزار و طبق قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل^۳ هدف از آن "بررسی تمام مسایل مربوط به جامعه اطلاعاتی" بود. به شکلی معنادار و در عین حال غیرمنتظره، اجلاس جهانی در خصوص جامعه اطلاعاتی عملاً به اجلاس جهانی در خصوص حکمرانی اینترنت بدل شد و همین امر موجب بروز نگرانی‌هایی در میان برخی از کارشناسان گردید، به گونه‌ای که برخی‌ها از آن بعنوان "نبرد علیه روح اینترنت"^۴ یاد کردند. اجلاس جهانی را می‌توان تقابلی میان دو دیدگاه دانست که یکی حاکمیت‌های ملی را نماینده شایسته‌ای برای وضع و اجرای مقررات ارتباطی و اطلاعاتی بین‌المللی می‌دانست و در مقابل کسانی که در پی چارچوبی

1. W.A. Meier, & I. Perrin, "Media Concentration and Media Governance", *Communication*, Vol. 32, (2017), at 339.

2. The World Summit on the Information Society.

3. UN General Assembly Resolution 56/183 (2001), *World Summit on the Information Society*, A/RES/56/183. Retrieved from: https://www.itu.int/net/wsis/docs/background/resolutions/56_183_unga_2002.pdf.

4. Elliot Noss, "Perspective: A Battle for the Soul of the Internet", available at: zdnet.com/article/a-battle-for-the-soul-of-the-internet (2005).

بازتر، متنوع‌تر و فراملی بودند.^۱ تصمیم در جهت تمرکز بر حکمرانی اینترنت نخستین گام جدی و همه‌جانبه بین‌المللی برای به نظم درآوردن بی‌نظمی ناشی از تاسیس آی‌کان توسط دولت ایالات متحده در فضای اینترنت بود. این اجلاس برنامه‌ای برای کشورهای در حال توسعه و اتحادیه اروپا جهت مقابله با چالش برتری جویی ایالات متحده در اینترنت، تدوین نمود. البته ناگفته نماند که اجلاس جهانی، طیف وسیعی از شبکه‌های مدافع پیرامون سیاست ارتباطی - اطلاعاتی آزاد که در نهایت منجر به مشارکت بیشتر گروه‌های اجتماعی و افراد در این محیط می‌شود، پدید آورد. شیوه "حکمرانی چند ذینفعی" از نتایج و ثمرات این اجلاس جهانی است که در ادامه به تفصیل مورد بررسی قرار می‌گیرد. برای "حکمرانی در اینترنت" یا به تعبیر برخی نویسندگان؛ "حاکمیت اینترنتی" شیوه‌ها و مدل‌های متنوعی پیشنهاد شده است اما دکتین حقوقی امروزه به دلیل مزایای متعدد و ساختار موجود حاکم بر اینترنت به "حکمرانی چندذینفعی" گرایش و تمایل بیشتری دارد.

۲. تحلیل حکمرانی چندذینفعی

حکمرانی چندذینفعی پدیده‌ای کاملاً نوظهور است، هرچند می‌توان ردپای ضعیفی از آن را در "قواعد سازماندهی و تجربه سیاسی" سراغ گرفت اما این گذشته تقریباً به هیچ وجه قابل قیاس با آنچه در مورد اینترنت مطرح شده، نیست^۲ زیرا اکنون ایده‌ها جامه عمل پوشانده و مدعی تنظیم قواعد فرامرزی شده‌اند و صدا البته تنها به اینترنت نیز محدود نیستند، چرا که قواعد حفاظت از محیط زیست، کار، مالی، حقوق بشری و توسعه پایدار نیز قدم در این مسیر گذاشته‌اند.^۳ نخستین فعالیت‌ها در خصوص انواع دموکراسی مشارکتی منجر به حکمرانی چندذینفعی را می‌توان در آثار *اینورواستروم* در خصوص شیوه‌های سیاستگذاری اقتصادی یافت.

1. F. Musiani, "WSIS+10: the Self-praising Feast of Multi-stakeholderism in Internet Governance", (2013), *Internet Policy Review*, 2(2). Available at: <http://policyreview.info/articles/> (Accessed September 2018) at 29.

2. J. Hofmann, "Multi-stakeholderism in Internet Governance: Putting a Fiction into Practice", (2016), *Journal of Cyber Policy*, 1:1, http://news.cnet.com/A-battle-for-the-soul-of-the-Internet/2010-1071_3-5737647, html, (Accessed September 2018) at 31.

3. W.J. Drake & M. Price (Eds.), *Beyond NETmundial: the Roadmap for Institutional Improvements to the Global Internet Governance Ecosystem*, (2014), available at: www.global.asc.upenn.edu/app/uploads/2014/08/BeyondNETmundial_FINAL.pdf. (Accessed September 2018) at 9.

به لحاظ ویژگی چندبعدی بودن فضای سایبر که از یک سو شامل مباحث کاملاً فنی و تخصصی است و در نتیجه نیازمند متخصصان متبحر و از سویی دیگر حضور گروه‌های اجتماعی که هر یک هم در مقام مصرف‌کننده محتوای سایبر و هم در مقام تولیدکننده محتوا نقش بسزایی در توسعه و پایداری این فضا دارند، ضرورت حضور همه ذینفعان را تقویت می‌نمود و همین امر بود که موجب شد موضوع بیشتر به سوی حکمرانی سوق پیدا کند تا حاکمیت.^۱ مباحث مرتبط با استقرار یک چارچوب قانونگذاری مناسب برای اینترنت چنان فراگیر شد که در نهایت موضوع تسهیم قدرت میان تمام فعالان اجتماعی جهان برخط به مفهومی بنیادین و غیرقابل اجتناب برای قانونگذاری در این عرصه بدل گردید.^۲ مشارکت ذینفعان در فرآیندهای تصمیم‌گیری منجر به ایجاد "اعتماد" به تصمیمات متخذه می‌گردد، چرا که همه در جریان چرایی "نتایج حاصله" قرار می‌گیرند.^۳ بعلاوه اینگونه مشارکت موجب شفافیت عملکرد و قابل بازخواست بودن بیشتر نهادهای حاکمیتی می‌شود. در هر حال نمی‌توان منکر این واقعیت شد در جهانی که قدرت میان دولت‌ها، افراد و شرکت‌ها تقسیم شده است، چاره‌ای جز مشارکت این ذینفعان در امر حکمرانی و وضع قوانین آن نیست.^۴ یکی از صاحب‌نظران این عرصه، حکمرانی چندذینفعی در اینترنت را اینگونه تبیین می‌نماید: «تغییر مستمر موازنه شرکت‌های خصوصی، نهادهای بین‌المللی راهبری فنی، دولت‌ها و افراد». برای اینکه این حکمرانی واجد حداکثر تاثیر باشد، نباید حضور تمام ذینفعان را فی‌نفسه یک ارزش بدانیم بلکه باید آن را بخشی از پاسخ به این پرسش بدانیم که "چه شکلی از مدیریت بر حوزه‌های متفاوت مناسب و ضروری است".^۵ در واقع نکته اصلی در وضع قواعد برای اینترنت، مشارکت فراگیر و منسجم تمام ذینفعان آن است که این امر نیز صرفاً از طریق حاکمیت چندذینفعی تامین می‌گردد. بنابر نظریه لایه‌های ارتباطی بنکлер، اعمال حاکمیت

۱. زیرا همانطور که عنوان شده از جمله مولف‌های اصلی دولت بعنوان نماد و مجری حاکمیت در نظام بین‌الملل: اقتدار عام و فراگیر، مقررات آمرانه و انحصار در اعمال قوانین می‌باشد. بنگرید به: صمد ظهیری، مهران مولوی، «دولت در نظام

بین‌الملل»، فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی، دوره ۳، شماره ۲، (۱۳۹۶)، صص ۱-۸.

2. Rolf H. Weber, "Shift of Legislative Powers and Multi-stakeholder Governance", *Int. J. Public Law and Policy*, Vol. 1, No. 1, (2011), at 6.

3. Rolf H. Weber, "Transparency and the Governance of the Internet", *Computer Law & Security Report*, Vol. 24, (2008), at 346.

4. Jeremy Malcolm, *Multi-Stakeholder Governance and the Internet Governance Forum* (Atlanta: Terminus Press, 2008) at 19.

5. Laura DeNardis, *The Global War for Internet Governance* (New York: Yale University Press, 2016) at 165-166.

موفق بر اینترنت در گرو هماهنگی میان هر سه لایه بصورت همزمان می‌باشد. این به معنای هماهنگی حقوقی و عملی میان:

* لایه فیزیکی: لایه فنی که اجازه می‌دهد عناصر مختلف اینترنت در تعامل باشند؛

* لایه منطقی: هماهنگی نرم‌افزاری پروتکل‌های کلیدی که امکان استمرار عملکرد اینترنت

را فراهم می‌آورند؛

* لایه محتوایی: سیاست‌های عمومی را از طریق مشارکت دولت‌ها و سایر ذینفعان جهان

الکترونیک هدایت می‌نماید.^۱

حکمرانی چندذینفعی بدین معنا نیست که تمامی ذینفعان الزاما می‌بایست باید عملکردی یکسان داشته و یا به یک درجه در امر حکمرانی مشارکت نمایند، بعنوان مثال هرچند حوزه‌های فنی اینترنت عمدتاً در دست بخش خصوصی است، اما همانطور که عنوان شده اقتضای فعلی حقوق بین‌الملل (هرچند در حال تحول) حاکم مبتنی بر کنوانسیون‌های وین ۱۹۶۹ و ۱۹۸۶ آن است که تنها دولت‌ها و تا حدودی سازمان‌های بین‌المللی قادر به انعقاد معاهدات بین‌المللی می‌باشند (فلسفی، ۱۳۸۰: ۶۱). یکی از نویسندگان عنوان داشته: «مباحث ارائه شده در اجلاس جامعه جهانی در خصوص جامعه اطلاعاتی (WSIS) متضمن "مرکز تصمیم‌گیری واحد اینترنت" و یا "مدل تک ذینفعی" نیست، چنانکه برخی کشورها در نخستین نشست در پی آن بودند، بلکه برعکس درصدد توسعه مفهوم حکمرانی غیرمتمرکز و شامل تمامی ذینفعان این عرصه است تا در امر حکمرانی "نقش مقتضی" خود را ایفا نمایند. نقشی مقتضی که هرکس در آن به اندازه حقوقی که از آن بهره‌مند است واجد مسئولیت می‌باشد، هرچند این حقوق از جنس حقوق نرم باشد اما مطمئناً وضع مقررات به سمت و سوی خواهد بود که مسئولیت ناشی از نقض آنها با حقوق سخت تلاقی می‌نماید^۲». آنچه که در اینجا در خصوص نقش و میزان تاثیرگذاری هر یک از ذینفعان گفته شد، نباید ما را به این نتیجه برساند که معتقد به تقدم دولت‌ها در حکمرانی بر اینترنت هستیم بلکه صرفاً تأکیدی است بر تعیین نقش و چگونگی مشارکت ذینفعان در این عرصه، چنانکه در گفتار مربوط به

1. Yochai Benkler, *The Wealth of Networks: How Social Production Transforms Markets and Freedom* (New Haven: Yale University Press, 2006) at 392-393.

2. W. Kleinwachter, *Internet Principle Hype: How Soft Law is Used to Regulate the Internet* [online], 2011. Available from: <http://news.dot-nxt.com/2011/07/27/inter-net-principle-hype-anon> (Accesses July 2018) at 5.

سازمان‌های بین‌المللی، دولت‌ها و نظام حکمرانی چندذینفعی خواهیم دید، نویسندگان این مقاله بر این باورند که ساختار فضای سایبر نقشی فراتر از ناظر و مجری برخی تصمیمات اتخاذ شده برای دولت‌ها قائل نیست. در واقع باید گفت در خصوص نقش ذینفعان در این شیوه حکمرانی دو دیدگاه متفاوت وجود دارد: الف- کسانی که به ساختاری با مشارکت فعال تمام ذینفعان در روند حکمرانی معتقدند و ب- کسانی که معتقدند یکی از ذینفعان برابرتر از بقیه است و در واقع تنها وظیفه این ذینفع برتر مشورت‌گیری از سایر ذینفعان پیش از وضع مقررات است.^۱ تعریف نخست منجر به ساختاری کاملاً دموکراتیک در نهادهای تصمیم‌گیر می‌شود اما دیدگاه دوم منجر به استمرار همان شیوه سلسله‌مراتبی می‌گردد که تنها یک گروه خاص از ذینفعان سیاستگذاری می‌نمایند.

در خصوص تحلیل حکمرانی چند ذینفعی می‌توان این جمع‌بندی را ارائه نمود: «هرچند حکمرانی چندذینفعی انواع مختلفی دارد، اما کلیت این شیوه نوعی دموکراسی مشارکتی است که اجازه می‌دهد تمام کسانی که در مقررات و سیاستگذاری ذینفع هستند در امر وضع این مقررات و تعیین سیاست‌ها نیز مشارکت نمایند. هرچند در حکمرانی اینترنت ذینفعان طیف وسیعی را تشکیل می‌دهند اما آنها را می‌توان در حالت کلی به دولت‌ها که به نمایندگی از شهروندان، جامعه و سازمان‌های غیردولتی عمل کرده و در حقیقت به صورت خودخوانده‌ای نماینده منافع جهانی محسوب می‌شوند، بخش خصوصی تجاری که نمایانگر تجارتی هستند که هم بر اینترنت تاثیر می‌گذارد و هم از آن تاثیر می‌پذیرد، جامعه فنی اینترنت که مسئول توسعه و حفظ خود شبکه هستند و در نهایت جامعه مدنی، تقسیم نمود^۲».

۱-۲. سازمان‌های بین‌المللی، دولت‌ها و نظام حکمرانی چندذینفعی

همانطور که پیشتر عنوان شد، اینترنت مخلوق بخش خصوصی و بویژه ایالات متحده است و این دولت نیز با این باور که عملکرد "آزادانه" موجب خلاقیت‌های فناورانه می‌شود، بیشتر

1. Avri Doria, "Use [and Abuse] of Multistakeholderism in the Internet" in (eds): Roxana Radu • Jean-Marie Chenou • Rolf H. Weber, *The Evolution of Global Internet Governance Principles and Policies in the Making* (Berlin: Springer, 2014) at 116.

2. J. Liddicoat, A. Doria, "Human Rights and Internet Protocols", (2012), available in: <https://www.internet-society.org/sites/default/files/Human%20Rights%20and%20Internet%20Protocols-%20Comparing%20Processes%20and%20Principles.pdf>. (Accessed August 2018) at 17.

به روش خودحاکمیتی^۱ گرایش یافته است که نتیجه آن را می‌توان استقلال عمل آیکان از دولت ایالات متحده بعنوان یک موسسه مستقل مشاهده کرد اما از سوی دیگر/بتکار عمل نت موندیال (NMI)^۲ به سال ۲۰۱۴ در مجمع جهانی اقتصاد در ژنو سوئیس، یکی از اهداف خود را "ایجاد اعتماد در اینترنت و نظام حاکم بر آن" بر مبنای اصول بنیادینی چون: "حقوق بشر، ارزش‌های مشترک، امنیت و ساختار توزیعی و باز، استمرار و انعطاف‌پذیری اینترنت، فضای یکپارچه و ناگسسته و استانداردهای منعطف" عنوان نمود. با توجه به اختلاف منافع میان دولت‌ها در فضای سایبر-بسیار بیشتر از سایر حوزه‌های حقوق بین‌الملل-حکمرانی بر اینترنت چه بصورت مستقیم و چه از طریق سازمان‌های بین‌المللی متشکل از دولت‌ها همانند اتحادیه بین‌المللی ارتباطات (ITU)^۳ یا سازمان ملل متحد (UN) گزینه قابل اعتمادی نبوده و تاکنون قرین موفقیت نیز نبوده است. بعنوان مثال ایده تبدیل آیکان (ICANN) به یک سازمان یا واگذاری وظایف آن به یک سازمان بین‌المللی همانند اتحادیه بین‌المللی ارتباطات با مخالفت‌های جدی‌ای مواجه شده است چرا که آیکان به دلیل ساختار غیردموکراتیک، نقش و اقداماتش اکنون نیز در معرض انتقادهای فراوانی است.^۴ سازمان‌های بین‌المللی را می‌توان بعنوان ناظر بر فضای سایبر تصور نمود اما در حال حاضر، نشان دادن آنها بعنوان قانونگذار مطلق بسیار دور از ذهن به نظر می‌رسد. می‌توان گفت عدم توازن در توانایی‌های سایبری دولت‌ها، از جمله مهمترین علل عدم مشارکت و مخالفت دولت‌ها در اجلاس چندجانبه مربوط به حکمرانی اینترنت باشد. طبیعتاً کشورهای کمتر توسعه یافته در زمینه فناوری در پی آن هستند تا اطمینان یابند کشورهای پیشرو در این زمینه برتری خود را بر حاکمیت، امنیت ملی و منافع تجاری این کشورها در عرصه سایبر تحمیل نخواهند کرد. اگر دو شرط احترام به حاکمیت و انتقال فناوری میسر شود، آنگاه تمامی دولت‌ها می‌توانند در طراحی، ابداع و تجربه شکل

1. Self-Governance.

2. Global Multi-Stakeholder Meeting on the Future of Internet Governance, NetMundial Initiative. <https://netmundial.org/>

نهادی است به ابتکار بخش خصوصی و به میزبانی کشور برزیل جهت ایجاد عرصه‌ای برای حکمرانی اینترنت که در سال ۲۰۱۴ بنیان نهاده شد و پس از فراز و نشیب‌های بسیار در سال ۲۰۱۶ به تجدید ساختار خود و ادامه حیات به شیوه‌ای نوین پرداخت.

3. International Telecommunication Union.

4. Tim Wu, Esther Dyson, Michael Froomkin, and Gross David, "On the Future of Internet Governance", Amer. Soc. IL Proc. 101, (2007), at 201.

نوینی از فناوری سایبری نقش ایفا نمایند، اما این امر برای دولت‌های صاحب این فناوری پذیرفتنی نیست زیرا موجب از دست رفتن تفوق آنها در عرصه بین‌المللی سایبر خواهد شد و البته به دلیلی که در ادامه بیان می‌شود، حتی در صورت وجود اراده، امروزه این امر تا حدود زیادی از ید قدرت آنها خارج است.^۱ ظرفیت‌سازی سایبری^۲ بدون تبعیض به معنای انتقال الزامی فناوری به تمامی دولت‌هاست، اما نکته اینجاست که این امر مانع بزرگی به نام حقوق مالکیت فکری (IPRs)^۳ را پیش روی خود می‌بیند که سهم عمده آن، اگر نگوئیم تمام آن، در اختیار ذینفعان خصوصی است. حال اگر قرار باشد این سهم قابل توجه از حکمرانی اینترنت را به ذینفعان خصوصی واگذار نماییم، آنگاه نقش دولت‌ها در این میان چه خواهد بود؟

آنگونه که یکی از صاحب‌نظران اظهار داشته: «واگذاری وضع قوانین جدید برای حکمرانی در فضای سایبر به دولت‌ها درست شبیه بازکردن جعبه پاندورایی است که جز حسرت حاصلی نخواهد داشت. دولت‌ها می‌بایست به حقوق بشر بین‌الملل که جزء تعهدات‌شان می‌باشد عمل نموده و تنها در چارچوب این پارامترها به حکمرانی فضای سایبر بیانندیشند.^۴» این بدان معناست که دولت‌ها تنها می‌توانند از عدم نقض یا تهدید قوانین و مقررات، روابط بین‌الملل و حقوق بشر در بستر ابزارها، روش‌های اجرایی و تولیدات و خدمات ارائه دهندگان (ISPs) اطمینان یابند.

برای درک بهتر موضوع، مثالی بیان می‌شود: گوشی‌های همراه، محصول در کنارهم قرار گرفتن فناوری‌های متعددی از جمله سخت‌افزار، نرم‌افزار، اینترنت، زبان‌ها و پروتکل‌ها، شبکه‌های سلولی، صفحه لمسی و هوش مصنوعی است. اغلب این فناوری‌ها توسط دولت ایالات متحده و به منظور بهره‌گیری نظامی ابداع شدند و تعداد معدودی از آنها نیز توسط دانشمندان اروپایی در مراکز وابسته به دولت‌ها خلق شدند اما این بخش خصوصی بود که کاربری آنها را تغییر و تجاری‌سازی نمود.^۵ بنابراین هم دولت‌ها و هم بخش خصوصی در

1. W. Siganda, "Internet Governance and Capacity Building: A View from the Developing World", In: Internet Policy Making (Collaborator Discussion Paper Series No.1), Multistakeholder Internet Dialogue (MIND) 1, Vol. 2, (2011), at 36.

2. Cyber Capacity-Building.

3. Intellectual Property Rights.

4. Rolf H. Weber, The Evolution of Global Internet Governance Principles and Policies in the Making (Berlin, Springer, 2014) at 39.

5. D. Souter, "Inside the Information Society: The What and Why of Multistakeholder Participation", APC (blog), (2017), available at: <https://www.apc.org/en/node/22446/>. (Accessed August 2018).

زنجیره پدید آمدن گوشی‌های هوشمند نقش داشته‌اند. نقش ذینفع خصوصی در این مقطع رعایت دستورالعمل‌های اخلاقی و رفتاری در جهت اطمینان از این موضوع است که فناوری‌ها بویژه آنهایی که مشکوک به "کاربرد دوگانه" هستند، در جهت تهدید و نقض نظم عمومی یا حقوق بشر به کار گرفته نشوند. در صورت عدم رعایت این موضوع، حقوق نرم به حقوق سخت بدل شده و مجازات‌هایی از سوی نهاد ناظر اعمال شود.^۱ دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی می‌توانند حافظ استانداردهای مربوط به نظم عمومی، حقوق بشر ملی و بین‌المللی که نقض آنها منجر به ایجاد مسئولیت خصوصی و بین‌المللی و ورود خسارت یا تهدید امنیت، تجارت و منافع در این دو سطح (ملی و بین‌المللی) می‌گردد، باشند.^۲

درحقیقت در سرتاسر دنیا پیش از این نیز چنین اقداماتی در خصوص اعمال صلاحیت ساخت، واردات، استفاده، نگهداری و توزیع مواد تحت کنترل، بویژه مواد مخدر و مواد شیمیایی، صورت گرفته است. این مدل پیشنهادی موجب محدود شدن آزادی‌های منجر به نوآوری نشده و از سوی دیگر مانع از سلطه مطلق دولت‌ها یا بخش خصوصی بر یکدیگر یا چنانکه در گفتار قبل بیان شد، شیوه تک‌ذینفعی شده و در نهایت اینترنت همچنان تحت لوای حکمرانی چندذینفعی و توزیع شده واقعی، باقی خواهد ماند.

۲-۲. بخش خصوصی و حکمرانی چندذینفعی

تا پیش از تشکیل اجلاس بین‌المللی با حضور و مشارکت بخش خصوصی، نقش این بخش در سیاستگذاری و وضع قوانین نسبت به دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی نقشی ثانویه محسوب می‌شد، چرا که تنها نمایندگان بازیگران سنتی در مجامع بین‌المللی حاضر شده، مذاکره و در نهایت معاهده‌ای منعقد می‌نمودند. اما امروزه و به تدریج، مشارکت بخش خصوصی در حقوق و روابط بین‌الملل بویژه در حوزه تجارت و سایر را می‌توان نقشی اصلی قلمداد نمود، زیرا این بخش خصوصی است که مجری قواعد و ترتیبات وضع شده بوده و دولت‌ها تا حدودی زیادی به حاشیه رانده شده‌اند. البته این امر برخلاف آنچه در بادی امر به نظر می‌رسد، تحول نوینی نیست چراکه در قرون وسطا حقوق بازرگانی یا عرف بازرگانی

1. Raymond E Spier, "Dual Use' and 'Intentionality': Seeking to Prevent the Manifestation of Deliberately Harmful Objectives", (2010), *Sci. Eng. Ethics* 16, at3-4.
2. T. Risse, (ed.), *Governance without a State? Policies and Politics in Areas of Limited Statehood* (New York: Columbia University Press, 2010) at 93.

(Lex Mercatoria) نظامی حقوقی بود که توسط تجار توسعه و اجرا می‌شد و با قوانین داخلی همپوشانی داشت.^۱ این حقوق از قدرت حاکمیت ناشی نشده بود اما در عین حال با آن برابری و گاه بسته به موقعیت، بر آن برتری داشت. البته این بدان معنا نیست که اعمال عرف تجاری بمنزله تعلیق قوانین داخلی بود، بلکه این دو حقوق مکمل یکدیگر بودند و اصولاً این ویژگی قانونگذاری بخش خصوصی است که در نمونه‌های اخیر آن از جمله اینترنت به وضوح قابل مشاهده است. همانطور که جنسن عنوان کرده: «شاید دولت‌ها و افراد اعضای دو جامعه متفاوت با اهداف متفاوت باشند، اما اگر دولت-ملت را پیوندی میان مردمی بدانیم که از زبان و هویت فرهنگی مشترک برخوردار بوده و برای امنیت و رفاه متقابل تلاش می‌کنند، آنگاه به درک بهتری از اشکال متفاوت تعاملات فراملی (از جمله تجاری، تبادلات فکری میان شهروندان دولت-ملت‌های مختلف) می‌رسیم که زمینه‌ساز اشتراکات گسترده متبلور در معاهدات میان دولت‌هاست که برخی از آنها صراحتاً در این توافقات کتبی ذکر می‌شوند و برخی دیگر نیز چنان بدیهی و مشترک هستند که بعنوان مبنای معین توافق، ناگفته می‌مانند.^۲ این امر البته در محیط اینترنت کمتر شکل معاهده‌ای به خود می‌گیرد چرا که دولت‌ها در این فضا دچار نوعی "معاهده ترسی"^۳ شده‌اند و بیشتر به مشارکت‌های بخشی و منطقه‌ای گرایش دارند تا معاهدات چندجانبه و همه‌جانبه.^۴

دولت‌ها برای پیشبرد و تحقق اهداف تجاری در عرصه بین‌المللی نیازمند همکاری بخش خصوصی و بویژه شرکت‌های چندملیتی هستند، در اینترنت اما این نیاز به مراتب بیشتر و مشهودتر است، زیرا این عرصه حتی فارغ از قانونگذاری در چارچوب رسمی و سنتی دولت‌ها نیز به فعالیت خویش ادامه خواهد داد و برخلاف موارد پیشین، این دولت‌ها هستند که برای حضور و فعالیت در این قلمرو جدید به کمک بخش خصوصی اعم از شرکت‌های ارائه

1. Claire Cutler, *Private Power and Global Authority: Transnational Merchant Law in the Global Political Economy*, (Cambridge: Cambridge Studies in International Relations, 2003) at 108.

2. Darryn M. Jensen, "The Transformation of International Law", *Policy* 20: 1, (2004), at 42.

3. Pactophobia

البته یکی از مهمترین استثنائات این نظریه، کنوانسیون بوداپست در خصوص جرایم سایبری است. برای اطلاعات بیشتر بنگرید به: کنوانسیون جرایم سایبر و گزارش توجیهی آن.

4. James Lewis "Liberty, Equality, Connectivity: Transatlantic Cybersecurity Norms," (2014), Center for Strategic & International Studies, February 2014, at 4.

دهنده خدمات اینترنتی (ISPs)، شرکت‌های تولیدکننده سخت‌افزار و نرم‌افزار، توسعه دهندگان شرکتی اینترنت، شرکت‌های خصوصی تنظیم مبادلات داده پیام و سایر انواع شرکت‌های فعال در اینترنت نیازمندند. دولت‌ها دریافته‌اند که تغییر ماهیت اقتصاد از سنتی به دیجیتال و تعاملات اجتماعی از چهره به چهره به ارتباطات از راه دور بر بستری تقریباً غیرقابل کنترل، به معنای کاهش اختیارات حاکمیتی آنهاست و برای حداکثر نظارت بر این موارد می‌بایست بخش قدرتمند خصوصی را در امر سیاستگذاری و وضع قواعد با خود شریک نمایند.^۱ اما نباید فراموش کرد که عمدتاً هدف اصلی بخش خصوصی کسب سود حداکثری است و این امر اغلب با اهداف دولت‌ها در تضاد است؛ زیرا از یک سو این کسب سود به معنای برداشت سود احتمالی است که دولت‌ها می‌توانند در اختیار بگیرند و از سوی دیگر دولت‌ها تنها در اندیشه کسب سود نیستند و حفظ نظم عمومی، رعایت هنجارهای ملی، رعایت حقوق بشر و امنیت ملی و بین‌المللی نیز از جمله وظایف و اهداف دولت‌هاست که در اکثر موارد با کسب سود حداکثری در تعارض قرار دارد. دولت‌ها در این موارد نیز نیازمند همکاری بخش خصوصی هستند تا با چانه‌زنی و امتیازدهی (عمدتاً در بخش اقتصادی) امتیازاتی را نیز متقابلاً کسب نمایند.^۲

همانطور که عنوان شد تجربه‌های پیشین مشارکت و حتی قانونگذاری بخش خصوصی نتایج و ثمرات بسیاری دربر داشته است و نوع قواعد وضع شده (حقوق نرم) نباید این تصور را ایجاد نماید که این قواعد از کارآیی لازم برخوردار نیستند و مثال آن را در حوزه تجارت می‌توان اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC)^۳ دانست که هرچند صرفاً دستورالعمل‌ها و چارچوب‌های غیرالزام‌آوری چون اینکوترمز^۴ را صادر می‌نماید اما امروزه این چارچوب‌ها چنان نهادینه شده و جنبه عرفی یافته‌اند که حتی در محاکم رسمی قضایی نیز بدان‌ها استناد می‌شود.

۳-۲. جامعه مدنی (گروه‌های اجتماعی)

توجه به افراد و جامعه مدنی بعنوان تابعان فعال در عرصه بین‌الملل همانند بخش خصوصی

1. Claire Cutler, *The Emergence of Private Authority in Global Governance*, (Cambridge: Cambridge University Press, 2002) at 33.

2. Lewis op.cit.at 13.

3. International Commercial Chamber.

4. Incoterms.

مسبوق به سابقه است، هرچند برخلاف بخش خصوصی، حضور افراد در این عرصه تاکنون جز از سطح نظری فراتر نرفته است. نظریه افراد بعنوان تابعان اصلی حقوق بین‌الملل را پیشگامان مکتب جامعه‌شناسی حقوقی، اگوست کنت و امیل دورکهایم و بعدها توسط لئون دوگی و ژرژ سل در عرصه بین‌المللی مطرح گردید. دوگی بر این باور بوده که حقوق اعم از داخلی یا بین‌المللی ناشی از زندگی اجتماعی و ضروریات زندگی در جامعه است، نه محصول اراده دولت‌ها^۱، اما در حوزه حقوق سایر سازمان ملل دو گروه بخش خصوصی و جامعه مدنی را بعنوان ذینفعان حکمرانی اینترنت مورد شناسایی قرار داده است. بین این دو بخش اشتراکات بسیاری است اما به نظر می‌رسد تبیین جامعه مدنی بعنوان یکی از ذینفعان اینترنت ضروری باشد. مفهوم جامعه مدنی در نظام بین‌الملل با آنچه عموماً مورد استفاده قرار می‌گیرد، تاحدودی متفاوت است. نخست اینکه در نظام بین‌الملل، جامعه مدنی به یک جامعه سازمان‌یافته اشاره دارد و نه کلیت جامعه. هرچند این امکان وجود دارد که کلیت جامعه نیز برای احقاق حقوق خود بعنوان یک بازیگر بین‌المللی مورد شناسایی قرار گیرد؛ بعنوان مثال، در سال ۱۹۹۲ شورای امنیت سازمان ملل از جانب تمام جامعه سومالی مجوز اقدام صادر نمود.^۲ همچنین اجلاس حکمرانی اینترنت (IGF) نیز اجازه مشارکت افرادی که به هیچ سازمانی جز خود اجلاس وابستگی ندارند را نیز می‌دهد. هرچند بازهم باید تاکید کرد که اینها تنها استثنائاتی که در عرصه بین‌المللی رخ می‌دهند و اصل بر یک جامعه مدنی سازمان یافته است.

دوم اینکه، معمولاً منظور از جامعه مدنی، یک جامعه مدنی جهانی (یا فراملی) است و نه جوامع داخلی. در این مقاله نیز مقصود از اشاره به جامعه مدنی، یک جامعه مدنی سازمان یافته جهانی است و همین معناست که گاهی عنوان سازمان‌های غیردولتی (NGOs) را به خود می‌گیرد و هنگامی که سخن از این سازمان‌ها به میان می‌آید، ضرورت دارد تعریف در خصوص جامعه مدنی بازهم مضیق‌تر شود. در واقع جامعه مدنی‌ای که جزء ذینفعان حکمرانی اینترنت شناخته می‌شوند باید دارای چند ویژگی (علاوه بر آنچه در خصوص جامعه مدنی از

۱. رضا موسی زاده، *بایسته‌های حقوق بین‌الملل عمومی*، چاپ ۵ (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۷) ص ۱۷.

2. Security Council of the United Nations, Resolution 794(1992), "Somalia", S/RES/794 (1992) 3. December 1992, Retrieved from: <http://unscr.com/en/resolutions/doc/794> (Accessed August 2018).

منظر حقوق بین الملل بیان شد) باشند و فقدان هریک از آنها به معنای خروج از شمولیت این بحث است. این ویژگی ها عبارتند از:

- * نهادهایی که برای مدت نامحدود تشکیل شده اند نه بصورت موقت؛
- * دارای ساختار و نظامند بوده و بصورت خودتنظیمی اداره می شوند؛
- * خصوصی بوده و قدرت خود را وامدار حاکمیت ها نبوده و بر آنها تسلطی ندارند؛
- * غیرانتفاعی هستند؛
- * دارای جهت گیری یا عملکرد فراملی هستند.^۱

برخی از نویسندگان ویژگی های دیگری نیز به موارد فوق افزوده اند، از جمله اینکه جامعه مدنی الزاما سویه و هدف سیاسی داشته باشد (بدین ترتیب گروه های ورزشی و فرهنگی داخل در تعریف نمی شوند) و این اهداف سیاسی نیز در چارچوب صلح جهانی باشد و لذا سازمان های تروریستی جزء جامعه مدنی جای نمی گیرند.^۲ به نظر می رسد تضییق بیش از حد تعریف جامعه مدنی بخصوص در اینترنت صرفا منجر به نادیده گرفتن بخش مهمی از دست اندرکاران و تاثیرگذاران این حوزه می شود.

۳. اشکالات و معایب حکمرانی چندذینفعی

هر چند حکمرانی چندذینفعی تاکنون سودمندترین شیوه حکمرانی و مدیریت اینترنت بوده است اما این رژیم نیز همانند هر نظام حقوقی دیگر مشکلات و معایبی دارد که نیازمند بررسی و ریشه یابی است تا ساختاری قدرتمندتر حاصل شود. در اینجا به دو نمونه از اشکالات فراروی حکمرانی چند ذینفعی می پردازیم.

۳-۱. پاسخگویی و مسئولیت پذیری

حکمرانی اینترنت متشکل از عناصر و ذینفعان متعدد و متفاوتی بوده، حوزه های مختلفی را شامل می شود و از درجه بالای انعطاف ساختاری برخوردار است.^۳ مجموع این عوامل باعث

1. Malcolm op.cit.at 122-123.

2. Ronnie D Lipschutz and Judith Mayer, *Global Civil Society and Global Environmental Governance* (New York: Suny Press, 1996) at 48.

3. Joanna Kulesza, *International Internet Law* (London/New York: Routledge Research in Information Technology and E-Commerce Law, 2012) at 71.

بروز تضادهای بسیاری در مبنای انتساب مسئولیت به ذینفعان می‌شود. در کنار هم قرار گرفتن مفاهیم فضای سایبر و مسئولیت چالش‌های پیش‌روی حکمرانی این فضا را بیشتر نمایان می‌سازد. در واقع هرچند تعدد ذینفعان در ساختار اینترنت نشان از دموکراتیک بودن فضا و روند حاکم بر آن دارد اما از منظری دیگر مشکلاتی نیز فراهم آورده است که یکی از آنها ابهام در انتساب مسئولیت به دلیل تنوع، تعدد و تغییر نقش این ذینفعان در اینترنت می‌باشد.^۱ به دلیل تعدد ذینفعان مشارکت‌کننده از طرق مختلف در تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری‌ها، تعیین مسئولیت اخلاقی تبعات سیاسی و فنی این تصمیمات حتی به صورت نظری هم امری بسیار دشوار است.^۲ برای تبیین موضوع اشکالات ناشی از تعدد ذینفعان مشارکت‌کننده در سیاست‌گذاری و تنظیم مقررات، می‌توان به این نمونه اشاره کرد که در برابر سوالی چون: «چه کسی مسئول توسعه حال و آینده اینترنت است؟»، می‌توان پاسخ داد: شرکت اینترنتی برای اسامی و داده‌ها (ICANN)، کارگروه ویژه مهندسی اینترنت (IETF)، کنسرسیوم وب جهانی (W3C)، اجلاس حکمرانی جهانی (IGF)، اتحادیه بین‌المللی ارتباطات (ITU)، ارائه‌کنندگان بزرگ خدمات اینترنت (ISPs) همچون AT&T، کشورهای صاحب نفوذی چون ایالات متحده، شرکت‌های بزرگ تولیدکننده نرم‌افزار، گروه‌های اجتماعی و متخصصینی که در فعالیت‌ها و اقدامات نهادهایی چون آی‌کان یا نیروی کار مهندسی مشارکت می‌نمایند.^۳ متأسفانه کثرت ذینفعان درگیر در حکمرانی اینترنت الزاما به معنای کثرت سازوکارهای مسئولیت نیست و برعکس نشانگر ابهام و پیچیدگی بسیار این حوزه می‌باشد.^۴ این پیچیدگی هنگامی بیشتر نمایان می‌شود که به محصول عملکرد مشترک این بازیگران و سهم هریک از آنها توجه می‌شود، امری که ریشه در هنجارها، ضوابط و انتظارات بعضا کاملا متفاوت هریک از این ذینفعان دارد. تا هنگامی که نهاد ناظری با اصول و معیارهای از پیش تعیین شده‌ای برای تعریف خسارت، تعیین میزان آن، نحوه انتساب و چگونگی جبران یا تنبیه عاملین بروز خسارت پیش‌بینی نشود چاره‌ای جز توسل به راهکارهای پذیرفته شده حقوق بین‌الملل،

1. Rikke Frank Jorgensen, Framing the Net, *The Internet and Human Rights* (London: Cheltenham, 2013) at 103.

2. Marianne I. Franklin, *Digital Dilemmas. Power, Resistance, and the Internet* (London: Oxford, 2013) at 38.

3. Mikkel Flyverbom, *The Power of Networks: Organizing the Global Politics of Internet* (London, Cheltenham: 2011) at 79.

4. William J. Drake, "Multistakeholderism: Internal Limitations and External Limits", *MIND* No. 2, (2011), At70.

توافقات خُرد و بخشی و عرف این حوزه وجود ندارد.^۱

۲-۳. نمونه‌نمایی^۲

از جمله دستاوردهای بزرگ معاهدات و ستفالی در قرن هفده میلادی تثبیت حاکمیت دولت‌ها و احترام به حاکمیت‌های مستقل بود؛ از این دوران تا اوایل قرن بیستم هر روز بر این عقیده بیشتر و بیشتر تاکید می‌شد که دولت‌ها تنها بازیگران حقوق و روابط بین‌الملل بوده و در محدوده سرزمینی خود فعال مایشاء و حاکم مطلق هستند.^۳ با وجود چنین سبب‌های مشخص است که عقب‌نشینی دولت‌ها از این نظریه چقدر برای آنها سخت و دردناک بوده و تا چه میزان در برابر آن مقاومت کرده‌اند، هر چند این مقاومت خاص دولت‌ها نیست و هر هنجار نهادینه شده‌ای در برابر تحولات واکنش منفی نشان می‌دهد. یکی از جلوه‌های این واکنش منفی تحت عنوان "نمونه‌نمایی" شناخته می‌شود. نمونه‌نمایی به تلاشی ظاهرگرایانه اطلاق می‌شود که به منظور دربرگرفتن نمادین اعضای گروه‌های اقلیت صورت می‌گرفت. این اقدام اغلب به صورت بکارگیری تعداد اندکی از افراد عضو گروه‌های فاقد نماینده برای نمایش ظاهری برابری جنسیتی، نژادی یا انواع دیگر می‌باشد.^۴ این نمایش و تظاهر عموماً در مورد پدیده‌های نوظهور اجتماعی و سیاسی نمود بیشتری دارد. مطمئناً حاکمیت‌ها در نظام نوپایی چون حکمرانی چندذینفعی و در فضایی نوظهور چون اینترنت که هر دو از ساختاری هنجارشکنانه برخوردار بوده و در عین حال درصدد نظم‌دهی به محیطی هستند که بسیاری از نظریه‌پردازان آن را قلمروی در تراز زمین، هوا، دریا و فضا می‌دانند، درصدد بوده و هستند تا همچنان هژمونی برتر خود در عرصه بین‌الملل را حفظ نمایند، هر چند در سال‌های اخیر دریافته‌اند که این عرصه برخلاف عرصه‌های دیگر بستر مناسبی برای اعمال دستورات و وضع قوانین در چارچوب‌های معمول قانونگذاری و سیاست‌ورزی نیست، با این حال بخصوص در سال‌های ابتدایی نهاد‌های مرتبط با حکمرانی چندذینفعی و بویژه اجلاس راهبری اینترنت (IGF) نظریه برتری دولت‌ها چنان غالب بود که در دور اول مذاکرات تقریباً هیچ تصمیمی و حتی مشورتی با سایر ذینفعان

1. Flyverbom.op.cit, at 63.

2. Tokenism.

۳. احمد نقیب‌زاده، تاریخ دیپلماسی و روابط بین‌الملل (تهران: نشر قومس، ۱۳۸۸) ص ۱۱۱.

4. Tokenism: *Oxford Reference*. Ed

صورت گرفت و صرفاً تعداد محدودی از نمایندگان برخی از شرکت‌های خصوصی و سازمان‌های غیردولتی به اجلاس دعوت شدند. نمونه دیگر نمونه‌نمایی را می‌توان در ساختار آیکان (ICANN) مشاهده کرد که تقریباً هیچ نماینده‌ای از کشورهای آفریقایی که در حوزه سایر کمتر توسعه یافته هستند، در آن وجود ندارد. اما مهمترین آسیب از این ناحیه متوجه گروه‌های اجتماعی است که بزرگترین مانع بر سر راه مشارکت آنها عدم تعریف جامع و مشخصی از گروه‌های اجتماعی ذینفع در اینترنت می‌باشد و همین امر موجب گردیده تا برخی نهادها بصورت مستقل و البته غیرشفاف مجوز حضور برخی از گروه‌ها را در نشست‌های خود صادر نمایند که از این بین می‌توان به ابتکار عمل *نتموندیال* اشاره نمود.^۱

۴. قواعد قابل اعمال حقوق بین‌الملل در حکمرانی چندذینفعی در اینترنت

تمامی ذینفعان در قالب نهادها و گروه‌های مختلف از جمله سازمان ملل، اجلاس جهانی در خصوص جامعه ارتباطی (WSIS)، گروه کارشناسان دولتی (GGE) و سازمان همکاری‌های شانگهای در پی آن بوده‌اند که با توسل به حقوق بین‌الملل از حقوق و منافع مورد احترام خود در فضای سایر دفاع نمایند. حقوق بین‌الملل که تجسم اصلی هنجارها، قواعد، معیارها و اصول رفتاری بین‌المللی است می‌تواند مانع از بروز بحران‌های ناشی از سوتفاهم، خطاها و اشتباهات گردد.^۲

برای درک صحیح حقوق بین‌الملل عمومی قابل اعمال بر فضای سایر نیازمند تحلیل دقیقی هستیم که دو مثال بارز آن را می‌توان ابتدا مباحث مطروحه در سمینار منطقه آسیا-پاسیفیک درباره حقوق بین‌الملل و رفتار دولت‌ها در فضای سایر دانست که در دسامبر ۲۰۱۴ توسط موسسه سازمان ملل در امور تحقیقات خلع سلاح (UNIDIR) و با همکاری دولت‌های هلند و آلمان در سئول کره جنوبی برگزار شد. با اینکه شرکت کنندگان بر این امر توافق داشتند که منشور سازمان ملل و حقوق بین‌الملل بویژه اصولی چون حاکمیت دولت‌ها، عدم

1. Stefania Milan, "Civil Society Participation beyond Smoke and Mirrors: An Assessment of Multi-Stakeholder Mechanisms in Cyberspace Governance", (Working Paper for the Global Governance Reform Initiative Project of The Hague Institute for Global Justice), (2015).

2. Martin C. Libicki, *Crisis and Escalation in Cyberspace* (Santa Monica, CA: RAND, 2012) at 3.

مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر، عدم توسل به زور و حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات، قابلیت اعمال بر فضای سایبر را دارند با این حال اما نتوانستند بر سر تعریف بسیاری از مفاهیم از جمله مفهوم «حمله مسلحانه» در بستر سایبر که حق دفاع مشروع مندرج در ماده ۵۱ منشور سازمان ملل را می‌دهد، به توافق برسند^۱ و مورد دوم عدم اجماع گروه کارشناسان دولتی (GGE) در خصوص ارائه گزارش سال ۲۰۱۷ این گروه مربوط به اعمال حقوق بین‌الملل بر فضای سایبر دانست که ناشی از اختلافات شدید دولت‌ها بویژه چین و روسیه با کشورهای غربی بود.^۲ یکی از حقوق‌دانان مطرح به درستی به این نکته اشاره می‌نماید که در توسعه فناوری‌های نوین در عرصه سایبر هرگز نمی‌توان به روش‌های سنتی توسعه قواعد جدید حقوق بین‌الملل از طریق موافقتنامه‌های بین‌المللی یا گسترش رویه دولت‌ها بعنوان عامل رشد حقوق بین‌الملل عرفی توسل جست. به همین دلیل است که هرچند می‌بایست به قواعد موجود حقوق بین‌الملل متوسل شد اما احتمال عدم اثر تام و تمام آنها در فضای سایبر وجود دارد.^۳ این دوگانگی منجر به بازتعریفی شده است که در آن ویژگی مهم حقوق بین‌الملل را پیوستگی صلاحیت و کنترل دانسته‌اند؛ صلاحیت وضع مقررات برای ایجاد یک تعهد؛ چنانکه مورد قبول تابعان آن تعهد واقع شود و کنترل تطبیق رفتار واقعی این تابعان با مقررات وضع شده که نیازمند مشارکت واقعی این تابعان بویژه در فضایی است که کنترل واقعی آن خارج از اختیار دولت‌هاست.^۴ اما در این میان نیازمند نهادها و قواعدی هستیم که نه تنها دوران گذار از رویکرد سنتی به مدرن را سامان دهد بلکه در هنگام استقرار نهادهای تازه شکل گرفته نیز نقش موثر و راهبری را برای آنها ایفا نماید. این شکاف حاکمیتی به معنای عدم توانایی نهادهای جهانی کنونی برای تامین نیازهای جامعه جهانی به شکل دموکراتیک و موثر است که ضرورت اشکال جدید تعهدات چندسطحی را بیشتر نمایان می‌سازد.^۵ جامعه جهانی برای

1. Asian-African Legal Consultative Organization Report (2016), International Law in Cyberspace, AALCO/55/NEW Delhi (Headquarters)/2016/SD/S17. Retrieved from: <http://www.aalco.int/Cyberspace%202016.pdf> (Accessed September 2018) at para 7.

2. <https://dig.watch/DWnewsletter22>.

3. Andreas Zimmermann, "International Law and 'Cyber Space'", European Soc, International Law Reflections 3, (2014), part III.

4. Kofi Annan, "Globalization Operates on Internet Time", www.un.org/press/en/2000/20000726.sgsm7495.doc.html, (Accessed August 2018), (2000).

5. Peter Smann, "The Future of the WTO: from Authoritarian 'Mercantilism' to Multilevel Governance for the Benefit of Citizens?", Asian Journal of WTO and International Health Law and Policy, Vol. 6, (2015), at 45.

ادامه مسیر در چارچوب قواعد حقوق بین‌الملل و حفظ انسجام این چارچوب در عرصه اینترنت دست به آزمون و خطاهای متعددی زده‌اند تا اینکه چنانچه پیشتر عنوان شد موثرترین روش اقدام را ایجاد فضایی به منظور دخالت و نقش‌آفرینی ذینفعان تازه در قالب حکمرانی چندذینفعی تشخیص دادند. به نظر اغلب حقوقدانان هرچند نهادهای فعلی توان لازم برای پذیرایی از حقوق بین‌الملل نوین قابل اعمال بر فضای سایبر را ندارد اما در خصوص مفاهیم، حقوق بین‌الملل از ظرفیت‌های لازم برای شناسایی و سازندگی برخوردار می‌باشد. از جمله مهمترین مفاهیم در عرصه حقوق بین‌الملل سایبر؛ مفهوم حقوق نرم، ساختار و کنش آن با حقوق سخت یا قانون به معنای واقعی خود است که با روش خودتنظیمی که از موثرترین روش‌های آزموده شده موفق در این حوزه است، ارتباط تنگاتنگی دارد. امروزه حقوق نرم کارکردی فراتر از یک امر توصیه‌ای یافته و با آن به مثابه زمینه‌ساز تثبیت قواعد جدید در حقوق بین‌الملل رفتار می‌شود، این مقاله نیز از همین منظر به حقوق نرم نگریسته و سعی می‌شود چگونگی کاربرد این مفهوم حقوق بین‌الملل در عرصه قانونگذاری اینترنت و فرآیند آن در فراتر رفتن از یک هنجار و تبدیل شدن به یک مقرر پذیرفته شده توضیح داده شود.

۱-۴. حقوق نرم، خودتنظیمی: ساختار و روش‌ها

امروزه مفهوم حقوق نرم هم‌تراز مفهوم "ارزش" در علوم اجتماعی و اقتصادی است، هرچند در این قیاس بازم ابهاماتی در خصوص پیاده‌سازی آن باقی می‌ماند. حقوق نرم بر خلاف حقوق سخت شامل قواعد وضع شده از سوی نهادهایی (عمومی یا خصوصی) است که عملکردشان با آیین‌های رسمی ضروری برای وضع قوانین موضوعه مطابقت ندارد.^۱ خودتنظیمی^۲ به مثابه یکی از اشکال ایجاد حقوق نرم، نقش مهمی در این زمینه ایفا می‌نماید. خودتنظیمی یک شیوه تصمیم‌سازی است که قواعد را مستقل از صلاحیت قانونگذاری رسمی وضع و توسعه داده و واکنشی به تغییرات در بستر "محیط" مورد اعمال است.^۳ شیوه خودتنظیمی

۱. عبدالحسین شیروی، محمدحسین وکیلی مقدم، «حقوق نرم»، حقوق تطبیقی، دوره ۶، شماره ۱، (۱۳۹۴)، ص ۲۵۴.

۲. برای کسب اطلاعات و مطالعه بیشتر در این خصوص بنگرید به:

Senn, M, *Non-State Regulatory Regimes, Understanding Institutional Transformation* (Springer: Berlin, 2011).

۳. سید یاسر ضیایی، احسان شکیب نژاد، «قانونگذاری در فضای سایبر: رویکرد حقوق بین‌الملل و ایران»، مجله حقوقی بین‌المللی، دوره سی و چهارم، شماره ۵۷، (۱۳۹۶)، ص ۲۴۰.

بصورت سستی پیرو اصل جزئی‌گرایی^۱ است. دکترین حقوقی بین اشکال مختلف خودتنظیمی قائل به تمایز است. اشکالی که بصورت خلاصه می‌توان آنها را در سه گروه طبقه‌بندی نمود:

الف- مجموعه توافقات میان بخش‌های مختلف یک حوزه و یا کارگزاران دو حوزه متفاوت؛

ب- توافقات تشریفاتی که از استحکام کمتری نسبت به خودتنظیمی برخوردار بوده و بصورت مستقیم قابل اجرا نیستند؛

پ- اصول اخلاقی یا قواعد رفتاری که مشارکت کنندگان را به رعایت برخی اصول تشویق می‌نماید.^۲

از منظر «تابعین» قواعد مذکور، مشروعیت روش خودتنظیمی از این حقیقت ناشی می‌شود که انگیزه‌های شخصی منجر به فرآیند تصمیم‌گیری برآمده از نیازهای واقعی می‌گردد.^۳ البته باید توجه داشت که خودتنظیمی زمانی توجیه‌پذیر است که از قوانین موضوعه موثرتر بوده و مطابقت‌پذیری با قوانین عادی سخت‌تر از مقررات خودتنظیمی باشد. اگر دولت بر این باور باشد که نباید برخی از قواعد بنیادین در حوزه خاصی را به بخش خصوصی واگذار نماید در آن صورت این نوع حقوق نرم در چارچوب صلاحیت قانونگذاری صورت می‌پذیرد؛ چنین شرایطی دکترین حقوقی را به سوی اتخاذ راهکار «تنظیم‌گری مشارکتی»^۴ سوق می‌دهد.^۵

خودتنظیمی در قیاس با قوانین وضع شده توسط دولت‌ها از محاسن بیشتری برخوردار است. مقررات خلق شده توسط ذینفعان یک جامعه خاص، عموماً بسیار کارآمدتر هستند، زیرا در پاسخ به نیازهای واقعی ایجاد شده، منعکس‌کننده فضای واقعی حاکم بر آن بوده و از انعطاف بسیاری برای هماهنگی چارچوب‌های قانونی با محیط در حال تغییر برخوردارند.

۱. این عبارت ترجمه واژه Subsidiarity است که در واقع اصلی پذیرفته شده در حقوق اتحادیه اروپاست و فرهنگ لغت آکسفورد آن را اینگونه تعریف می‌کند: «اصلی که تاکید می‌کند مرجع صلاحیتدار مرکزی (اغلب دولت) می‌بایست صرفاً نقشی فرعی داشته و تنها در اموری دخالت نماید که واحدهای محلی قادر به اقدام نباشند.» لازم به ذکر است که برخی نویسندگان این اصطلاح را «اصل تفویض مسئولیت» ترجمه کرده‌اند که به لحاظ مفهومی با آن سازگار نیست. برای مطالعه بیشتر در این خصوص بنگرید به: عباسعلی کدخدایی، ساختار و حقوق اتحادیه اروپایی (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۰)

Oxford English Dictionary, <https://en.oxforddictionaries.com/definition/subsidiarity>.

2. R.H. Weber, *Regulatory Models for the Online World*, (Zurich: Springer, 2002) at 81.

3. A. Campbell, "Self-regulation and the Media", *Federal Communications Law Journal*, Vol. 51, (1999), at 758.

4. Co-Regulation.

5. Hofmann op.cit. at 155.

بعلاوه خودتنظیمی موثر، ذینفعان را وادار می‌کند تا بصورت مستمر در فرآیند مشورت به منظور توسعه و اجرای قواعد خودتنظیمی مشارکت نمایند.^۱ اما در عین بیان مزایای رویکرد مبتنی بر خودتنظیمی باید به مشکلات آن نیز اشاره نمود. از یک سو آیین تصمیم‌سازی قواعد خودتنظیمی روشن نیست و الزامات تمامی گروه‌ها در آن شرکت ندارند. از سوی دیگر این احتمال وجود دارد که برخی از ذینفعان منابع زیادی را صرف توسعه، رصد و اجرای قواعد و استانداردها نمایند در حالی که سایرین صرفاً از منافع آن بهره‌مند شوند.^۲ اما مشکل حقوق نرم صرفاً به مشکلات خودتنظیمی محدود نمی‌شود، زیرا بسیاری معتقدند حقوق نرم مبتنی برهنجارهای مورد احترام کشورهای غربی است و لذا نمی‌تواند مقبولیت جهانی یابد و مشکل عمده دیگر اجبار دولت‌ها (بعنوان یکی از ذینفعان اینترنت) به تبعیت از حقوق نرم عمدتاً ساخته و پرداخته بخش خصوصی است.^۳

۲-۴. سخت شدن حقوق نرم

اقدامات پیچیده در روابط بین‌المللی و تحولات مستمر در روند قانونگذاری این حوزه ایجاب می‌کند که تحولات رژیم حقوق نرم مورد توجه بیشتری قرار گیرد. این تفکر غالب و سنتی در میان حقوقدانان که حقوق سخت به لحاظ کیفی بهتر از حقوق نرم است، در فضای حاکم بر حقوق بین‌المللی امروز جایگاه استواری ندارد؛ امروزه فرض بر این است که قانونگذاری شامل شکل مشخصی از مذاکرات، توجیه و متقاعدسازی در قالب قواعد قابل اجرا و واقعیت‌های مرتبط، ویژگی انحصاری حقوق سخت نبوده و حقوق نرم را نیز دربرمی‌گیرد.^۴

اگر ذینفعان از "سازماندهی" مناسبی برخوردار باشند در آن صورت حقوق نرم، عملکردی شبیه حقوق سخت خواهد یافت زیرا در چنان شرایطی اجرای استانداردهای بین‌المللی به مراتب سهل‌تر است زیرا حقوق نرم نیز همچون حقوق بین‌الملل فاقد مرجع

1. Ibid. at 156.

2. Lewis op.cit.at 4.

3. Bart Cammaerts and Nico Carpentier, "The Unbearable Lightness of Full Participation in a Global Context: WSIS and Civil Society Participation", *In Towards a Sustainable Information Society: Beyond WSIS*, eds. Jan Servaes and Nico Carpentier, (Bristol and Portland: Intellect, 2004) at 20.

4. K.W Abbott and D. Snidal, "Hard and Soft Law in International Governance", *International Organization*, Vol. 54, (2000), at 429.

صلاحیتدار بالادستی برای اجرا و تصویب بوده و همینطور همانند نظام حقوق بین‌الملل غیرمتمرکز و اساساً بر رضایت و توافقات مشترک مبتنی است.^۱ تجربه نشان داده است که اجرای خودتنظیمی و استانداردهای غیردولتی مبتنی بر اصول مورد توجه جامعه مورد نظر بعنوان یک قاعده رفتاری می‌تواند منجر به یک روند تدریجی نهادسازی گردد. بدین ترتیب دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به تدریج متوجه می‌گردند که حقوق نرم ساخته و پرداخته بخش خصوصی از تحرک و پویایی برخوردار بوده و امکان وضع و اجرای قواعد مناسب محیط‌های مستمرا در حال تغییر و به شدت فنی چون اینترنت را بهتر فراهم می‌نماید.^۲ این زوایه نگاه ما را به این نتیجه می‌رساند که در بسیاری از موارد حقوق سخت و حقوق نرم در یک مسیر قرار دارند و به هیچ وجه در تقابل با یکدیگر یا در اختیار دو حوزه متضاد قرار ندارند زیرا هر دو در یک بستر، با یک هدف و به شکلی ساختارمند و برای تامین منافع هرچه بیشتر ذینفعان عمل می‌نمایند.^۳ بنابراین میزان "الزام آور" بودن این دو حقوق را نباید بر اساس "شیوه وضع" آنها ارزیابی نمود، چرا که در یک محیط ساختارمند هر دو این حقوق در نهایت منجر به رعایت قواعد توسط مخاطبان آنها خواهد شد. یکی از نظریه پردازان بر این باور است که کیفیت حقوق نرم به چنان درجه‌ای رسیده است که در قیاس با حقوق سخت از "اطاعت‌پذیری" بیشتری برخوردار است. هارت روند نهادسازی یا ضابطه‌مند کردن استانداردهای عمومی را بعنوان هنجارهای ثانویه برمی‌شمارد و اعتقاد دارد بازیگران جامعه مدنی می‌توانند قواعد رسمی‌سازی را با توجه به اهداف خاص خود و بکارگیری ابزارهای مختلف، رصد نمایند.^۴

در سال‌های اخیر نظام قانونگذاری بین‌المللی دچار تحول مهمی شده و به اهمیت روزافزون توجه به نظرات عمومی و آیین‌های مبتنی بر رضایت پی برده است. به نظر می‌رسد این تحول مشکلات سابق مراجع بالادستی به هنگام عدم تعهد بخش خصوصی به اجرای معیارهای بین‌المللی را مرتفع نموده است.^۵ در نتیجه تحول و تثبیت معیارهای پاسخگویی نیز ضرورت

۱. امیرساعد و کیل، *حقوق بین‌الملل عمومی*، ج ۱ (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۰) ص ۱۶.

۲. شاهرخ شاکریان، *شناخت حقوق نرم در نظام حقوق بین‌الملل* (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۲) ص ۳۲.

3. C. Brummer, "How International Financial Law Works (and How it doesn't)", *Georgetown Law Journal*, Vol. 99, (2011), at 306.

4. H.L.A. Hart, *The Concept of Law*, 2nd ed, (London: Oxford, 1977), at 81.

5. M.S Barr and G.P. Miller, 'Global Administrative Law: The View from Basel', *The*

دارند، چرا که اگر قرار است اقدامات آزادانه منجر به پاسخگویی و مسئولیت گردند، لذا بخش خصوصی نیز می‌بایست از پیش و به هنگام ایجاد حقوق نرم این معیارها را بعنوان عواقب تخطی از آنها بداند؛ این امر بدان معناست که حقوق نرم در عین اینکه چارچوبی غیررسمی را ارائه می‌نماید، اما ضوابط و معیارهایی برای پاسخگویی، ایجاد مسئولیت و عواقب ناشی از عدم رعایت این معیارها را نیز پیش‌بینی می‌کند.^۱ به نظر می‌رسد تمام آنچه در این بخش بیان شد ارتباطی ذاتی با قواعد عمومی حقوق بین‌الملل و حقوق عرفی دارد.

۵. اجلاس جهانی در خصوص جامعه اطلاعاتی (WSIS)

هرچند روند اصلاح حاکمیت اینترنت، روندی مستمر بوده و می‌توان آن را از تاسیس آیکان (ICANN) دانست اما یقیناً برای نظام فعلی حاکمیت چندذینفعی نمی‌توان نقطه آغازی جز اجلاس جهانی در خصوص جامعه اطلاعاتی (WSIS) برشمرد، زیرا در این اجلاس بود که به صراحت به لزوم هدایت نظام حکمرانی اینترنت به سوی مشارکت تمام ذینفعان اشاره^۲ و در واقع هنجار تازه‌ای در حقوق بین‌الملل عرفی شکل گرفت. این اجلاس به معنای ترک نظام پیشنهادی قبلی (عمدتاً از سوی ایالات متحده) مبتنی بر مسئولیت کامل حکمرانی اینترنت بر عهده بخش خصوصی بود.^۳ اجلاس جهانی در خصوص جامعه اطلاعاتی یک اجلاس بین‌الدولی دائمی است که رای‌گیری در آن به شیوه اجماع صورت می‌گیرد که از جمله ویژگی‌های این شیوه رای‌گیری مذاکرات طولانی بین اعضا و قدرت چانه‌زنی بالای گروه‌های اقلیت می‌باشد^۴ که هر دوی این ویژگی‌ها در این اجلاس به وضوح قابل مشاهده بود، زیرا هم زمان زیادی صرف مذاکرات گردید و هم پیشنهادات کشورهای در حال توسعه به وقت تدوین قواعد اصلی تا حدود زیادی مورد توجه قرار گرفت. سنگ بنای تشکیل این اجلاس نخستین بار در کنفرانس ۱۹۹۸ اتحادیه بین‌المللی مخابرات (ITU) در میناپولیس نهاده شد. مشارکت سایر نهادها و سازمان‌های وابسته به سازمان ملل موجب گسترش

European Journal of International Law, Vol. 17, (2006), at 22.

1. Barr & Miller, op.cit. at 28.

2. WSIS, Geneva Declaration of Principles (2002). Retrieved from: <http://www.itu.int/net/wsis/> (Accessed May 2018) para 48.

3. Klein wächter, "Global Governance in the Information Age: GBDe and ICANN as "Pilot Projects" for Co-regulation and a New Trilateral Policy?", development, V. 46, (2003), at 108.

۴. اریک سوئی، «تأثیر و مفهوم کنسانسوس در تدوین حقوق بین‌الملل»، ترجمه ابراهیم بیگ زاده، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۱۰، (۱۳۷۱)، ص ۲۴۹.

دایره مدعوین و موضوعات دستور کار اجلاس گردید. در سال ۲۰۰۱ دبیرخانه اتحادیه طرحی ارائه نمود دایر بر برگزاری اجلاس در دو مرحله به سال‌های ۲۰۰۳ در ژنو سوئیس و ۲۰۰۵ در تونس، این طرح طی قطعنامه مجمع سازمان ملل متحد تایید و دعوت از تمامی سازمان‌ها و ذینفعان اینترنت نیز به متن آن افزوده شد.^۱

نشست نخست در ژنو سوئیس بر تدوین قواعد و نشست دوم در تونس بر اجرای این قواعد و سازوکارهای مربوطه متمرکز بود.^۲ دو سند ماحصل هر نشست بود؛ اسناد اجلاس نخست بیانیه اصول و برنامه اقدام بود که پس از تایید در نشست مقدماتی به تصویب ۱۷۵ کشور رسید. از آنجایی که اجلاس نخست نتوانسته بود اختلافات بر سر مهمترین موضوع بحث یعنی حکمرانی اینترنت را حل و فصل نماید، دبیرکل وقت سازمان ملل، کوفی عنان، اقدام به تشکیل کارگروه سازمان ملل متحد در خصوص حکمرانی اینترنت (WGIG) نمود تا به اجلاس دوم گزارش دهد. پیمان تونس و دستور جلسه تونس دو سند خروجی اجلاس دوم بودند که در آن به حل و فصل موضوعات باقی مانده از اجلاس نخست از جمله حکمرانی اینترنت، تاکید بر مفاد اسناد اجلاس اول و برداشتن گام‌های بعدی پرداخته شد. تاکنون هر ساله بصورت منظم اجلاس‌ها برگزار شده که آخرین آنها به سال ۲۰۱۸ در ژنو سوئیس برگزار گردیده است و البته کنفرانس‌های منطقه‌ای متعددی نیز در این سال‌ها برگزار شده است.^۳ همزمان با برگزاری هر نشست رسمی، نشست‌ها و کارگاه‌هایی با حضور بخش خصوصی و گروه‌های اجتماعی برگزار می‌شود. دبیرکل اجلاس، رابطه میان این دو نشست را اینگونه بیان می‌کند: با توجه به ماهیت سه‌گانه اجلاس می‌توان آن را به یک گل تشبیه کرد که بخش مرکزی آن را نشست سران دولت‌ها و گلبرگ‌های آن را نشست‌های بخش خصوصی و گروه‌های اجتماعی دانست. نمایندگان این نشست‌های جانبی در اجلاس اصلی نیز حضور می‌یابند و می‌توانند بصورت مستقیم و موثری در نتایج اجلاس و تنظیم برنامه اقدام و بیانیه پایانی مشارکت نمایند.^۴ آیین کار اجلاس بسیار متأثر از پیشنهادات کارگروه سازمان

1. WSIS, Geneva Declaration of Principles (2002). retrieved from: <http://www.itu.int/net/wsis/> (Accessed May2018).

2. Souter op.cit.at at2.

3. www.itu.int/net/wsis/documents/HLE.html.

4. WSIS Secretariat, Civil Society & NGO Open Ended Bureau Proposal (2006), Retrieved from: http://www.worldsummit2003.de/download_en/CS_Bureau_30Jan_ENG.doc (Accessed May2018).

ملل متحد در خصوص حکمرانی اینترنت (WGIG) بوده و از مفاد اسناد اجلاس نخست تحت عنوان "ضوابط فرآیند" ترتیبات حکمرانی بین‌المللی اینترنت چنین برمی‌آید که در تلاش است به گونه‌ای عمل کند که نظام حکمرانی چند ذینفعی بر فضای اینترنت مستقر گردد، چرا که بر "چندجانبگی، شفافیت، دموکراتیک بودن و حضور تمامی ذینفعان اعم از دولت‌ها، بخش خصوصی، گروه‌های اجتماعی و سازمان‌های بین‌المللی" در این فرآیند تأکید شده است. مفاد اصلاحی قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل بر پیشنهاد دبیرخانه اجلاس اشعار داشته: «ترغیب موثر کمک‌ها و مشارکت‌های تمامی اعضای سازمان ملل متحد، ... دعوت به حضور و مشارکت سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، سازمان‌های غیردولتی، جامعه مدنی و بخش خصوصی در نشست‌های مقدماتی بین‌الدولی اجلاس و اجلاس اصلی». همچنین این قطعنامه بر ایجاد یک کمیته آماده‌سازی (PrepCom) "جهت تصمیم‌گیری در خصوص نحوه مشارکت سایر ذینفعان" در اجلاس تأکید نموده است.^۱ از آنجایی که عدم امکان دسترسی کامل، سخنرانی و مشارکت در رای‌گیری توسط گروه‌های اجتماعی در اجلاس بسیار غیرمحتمل می‌نمود لذا در حاشیه اجلاس، نشست‌هایی با حضور گروه‌های اجتماعی و بخش خصوصی پیش‌بینی و مقرر شد نمایندگان این گروه‌ها نتایج حاصل از این نشست‌ها را به اجلاس اصلی ارائه و در روند آن مشارکت فعال نمایند.

نتیجه‌گیری

اینترنت قلمروی نوین است و به تعبیر نماینده چین در نشست سال ۲۰۱۶ نهاد مشورتی حقوقی آسیایی-آفریقایی^۲ پنجمین عرصه حاکمیت دولت‌هاست اما دو نکته برجسته این عرصه را از دیگر عرصه‌های حاکمیتی متمایز می‌سازد، نخست آنکه این قلمرو جدید فاقد محدوده (مرزهای) ملموس و قابل شناسایی بوده و به معنای حقیقی خویش عرصه حکمرانی جهانی است و دیگر آنکه، تابعان فعال این سرزمین جهانی دیگر منحصر به دولت‌ها نیستند و در نتیجه به لحاظ وضع قاعده رابطه فعالان عرصه جدید از ارتباط عمودی میان ذینفعان

1. WSIS Secretariat, Civil Society & NGO Open Ended Bureau Proposal, (2006), Retrieved from: http://www.worldsummit2003.de/download_en/CS_Bureau_30Jan_ENG.doc (Accessed May 2018).

2. Asian-African Legal Consultative Organization Report Asian-African, op.cit.at at 7.

(دولت‌ها، گروه‌های اجتماعی و شرکت‌های تجاری) به ارتباط افقی و عرضی تغییر حالت یافته و همین دو ویژگی است که در سال‌های اخیر نظریه پردازان را به شکل‌دهی ساختاری برای حکمرانی بر اینترنت که سال‌ها محل مناقشه دولت‌ها بود، هدایت کرد که در آن دولت‌ها برای حفظ کلیت حاکمیت خود در این فضا ناچارند حضور سایر ذینفعان دیگر را به رسمیت بشناسند؛ اما همانطور که عنوان شد این حکمرانی با چالش‌هایی از ناحیه قواعد قابل اعمال حقوق بین‌الملل مواجهه است که آنها را می‌توان در دو دسته خلاصه نمود: دسته نخست، عدم تبیین میزان واقعی مشارکت هریک از ذینفعان در سه مولفه تصمیم‌گیری، اجرا و نظارت و حتی در مورد افراد، عدم توافق بر سر تعریف مشخصی از آنهاست که با توجه به ادعاهای همچنان موجود دولت‌ها مبنی بر ضرورت حفظ حاکمیت سلسله‌مراتبی موجب عدم شکل‌گیری نهادهای ضروری که قدرت اعمال سه مولفه فوق را داشته باشد، گردیده است. هر چند همانطور که ملاحظه شد نهادهایی همچون اجلاس جهانی و گروه کارشناسان دولتی سازمان ملل در سال‌های اخیر تلاش داشته‌اند این عرصه رنگ و بویی دموکراتیک‌تر و با حضور کلیه ذینفعان واقعی پیدا نماید اما همچنان شاهدیم که بازیگران غیردولتی در درجه دوم اهمیت قرار گرفته‌اند. چالش دوم، فقدان ظرفیت و مفاهیم بایسته در حقوق بین‌الملل برای توسعه مفاهیم بنیادین این نوع حکمرانی است که مصادیق آن به اختصار عبارتند از: عدم شناسایی توافقات فی‌مابین دولت‌ها و اشخاص در حقوق بعنوان معاهدات بین‌المللی مندرج در کنوانسیون‌های معاهدات وین، عدم شناسایی حقوق و تکالیف برابر با حاکمیت‌ها برای اشخاص، عدم شناسایی و امکان تحقق عرف ناشی از رویه و عملکرد بازیگران غیردولتی در حقوق بین‌الملل می‌باشد که مانع بزرگی در ایجاد هنجارهای ثابت و قابل اتکا برای استمرار حکمرانی مشارکتی است که دو مورد اخیر در نهایت مانع از شکل‌گیری حقوق سخت و الزام‌آور به معنای رایج آن در حقوق بین‌الملل می‌گردد، هرچند این عدم شناسایی مانع از ایجاد یک شبه‌عرف در عرصه سایر بصورت کلی نگردیده است. در پایان به نظر می‌رسد مفاهیم و ظرفیت‌های فعلی حقوق بین‌الملل چندان مناسب تنظیم قواعد و مقررات لازم برای اینترنت نبوده و ضرورت دارد رویکردهای نوینی اتخاذ گردد که از آن جمله می‌توان موارد آتی را پیشنهاد نمود: اقبال بیشتر به حقوق نرم و نظام خودتنظیمی و ظرفیت‌سازی برای ایجاد

نهادهای مشارکتی و شناسایی عرف بین‌المللی (بصورت خاص و در حوزه حقوق سایبر) از سوی حقوق بین‌الملل اشاره نمود.

منابع

کتاب‌ها

- احمد نقیب‌زاده، *تاریخ دیپلماسی و روابط بین‌الملل* (تهران: نشر قومس، ۱۳۸۸).
- امیرساعت وکیل، *حقوق بین‌الملل عمومی*، ج ۱ (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۹۰).
- رضا موسی‌زاده، *بایسته‌های حقوق بین‌الملل عمومی*، ج ۵ (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۷).
- شاهرخ شاکریان، *شناخت حقوق نرم در نظام حقوق بین‌الملل* (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۲).
- کدخدایی، عباسعلی، *ساختار و حقوق اتحادیه اروپایی* (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۰).
- فلسفی، هدایت اله، *حقوق بین‌الملل معاهدات* (تهران: فرهنگ نشر نو، ۱۳۸۰).

مقاله‌ها

- سوئی، اریک، «تاثیر و مفهوم کنسانسوس در تدوین حقوق بین‌الملل»، ترجمه ابراهیم بیگ‌زاده، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۱۰، (۱۳۷۱).
- ضیایی، سیدياسر، احسان شکیب‌نژاد، «قانونگذاری در فضای سایبر: رویکرد حقوق بین‌الملل و ایران»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، دوره سی و چهارم، شماره ۵۷، (۱۳۹۶).
- ظهیری، صمد، مولوی، مهران، «دولت در نظام بین‌الملل»، *فصلنامه مطالعات علوم اجتماعی*، دوره ۳، شماره ۲، (۱۳۹۶).
- شیروی، عبدالحسین، و کیلی مقدم، محمدحسین، «حقوق نرم»، *حقوق تطبیقی*، دوره ۶، شماره ۱، (۱۳۹۴).

Books

- Benkler, Yochai, *The Wealth of Networks: How Social Production Transforms Markets and Freedom* (New Haven: Yale University Press, 2006).
- Biegel, Stuart, *Beyond Our Control? Confronting the Limits of Our Legal System in the Age of Cyberspace* (Cambridge: MA: MIT Press, 2001).
- Cammaerts, Bart&Carpentier, Nico, *The Unbearable Lightness of Full Participation in a Global Context: WSIS and Civil Society Participation*, in *Towards a Sustainable Information Society: Beyond WSIS*, eds. Jan Servaes and

Nico Carpentier (2004) (Bristol: Intellect, 2004).

- Cutler, Claire, *Private Power and Global Authority: Transnational Merchant Law in the Global Political Economy* (Cambridge: Cambridge Studies in International Relations, 2003).

- Cutler, Claire, *The Emergence of Private Authority in Global Governance* (Cambridge: Cambridge University Press, 2002).

- DeNardis, Laura, *The Global War for Internet Governance* (New York: Yale University Press, 2016).

- Doria, Avri, "Use [and Abuse] of Multistakeholderism in the Internet" in (eds): Roxana Radu, Jean-Marie Chenou & Weber, Rolf H, *The Evolution of Global Internet Governance Principles and Policies in the Making* (Berlin, Springer, 2014).

- Drake, W.J. & Price, M., (Eds.), *Beyond NETmundial: The Roadmap for Institutional Improvements to the Global Internet Governance Ecosystem*, 2014, available at: www.global.asc.upenn.edu/app/uploads/2014/08/BeyondNETmundial_FINAL.pdf, (Accessed September 2018).

- Dupuy, R.J., 'Declaratory Law and Programmatic Law: From Revolutionary Custom to 'Soft Law'', in R.A. Akkerman, P.J. Krieken and C.O. Pannenburg (Eds.), *Declaration on Principles* (Leyden: Leyden, 1977).

- Flyverbom, Mikkel, *The Power of Networks: Organizing the Global Politics of Internet* (London: Cheltenham, 2011).

- Franklin, Marianne I., *Digital Dilemmas, Power, Resistance, and the Internet* (London: Oxford, 2013).

- Hart, H.L.A., *The Concept of Law*, 2nd ed (London: Oxford, 1977).

- Jorgensen, Rikke Frank, *Framing the Net. The Internet and Human Rights* (London, Cheltenham, 2013).

- Kleinwachter, W., *Internet Principle Hype: How Soft Law is Used to Regulate the Internet* [online], 2011. Available from: <http://news.dot-nxt.com/2011/07/27/inter-net-principle-hype-anon> (Accesses July 2018).

- Kulesza, Joanna, *International Internet Law* (London: Rutledge Research in Information Technology and E-Commerce Law, 2012).

- Leopard, Briand, *Customary International Law: A New Theory with Practical Applications* (Cambridge: Cambridge University Press, 2014).

- Libicki, Martin C, *Crisis and Escalation in Cyberspace* (Santa Monica, CA: RAND, 2012).

- Lipschutz, Ronnie D & Judith Mayer, *Global Civil Society and Global Environmental Governance*, (New York: Suny Press, 1996).

- Malcolm, Jeremy, *Multi-Stakeholder Governance and the Internet Governance Forum* (Atlanta: Terminus Press, 2008).

- Ostrom, Elinor, *Governing the Commons: The Evolution of Institutions for Collective Action* (Cambridge: Cambridge University Press, 1990).

- Risse, T., (ed.), *Governance without a State? Policies and Politics in Areas of Limited Statehood* (New York: Columbia University Press, 2010).

- Senn, M., *Non-State Regulatory Regimes, Understanding Institutional Transformation*, (Berlin: Springer, 2011) Malcolm, Jeremy, *Multi-Stakeholder Governance and the Internet Governance Forum* (Atlanta: TERMINUS PRESS, 2008).

- Wagner, Mueller, M., B., *Finding a Formula for Brazil: Representation and Legitimacy in Internet Governance*, Internet Policy Observatory (blog), 2014, available at: http://www.internetgovernance.org/wordpress/wp-content/uploads/MiltonBenWPdraft_Final_clean2.pdf. (Accessed September 2018).

- Weber, R., *Principles for governing the Internet: A comparative analysis*, Paris: UNESCO, 2016, Available at: <http://unesdoc.unesco.org/images/0023/002344/234435e.pdf>, (Accessed September 2018).

- Weber, Rolf H, *Regulatory Models for the Online World* (Zurich: Springer, 2002).

Articles

- Abbott, K.W, Snidal, D., "Hard and Soft law in International Governance", *International Organization*, Vol. 54, (2000).

- Annan, Kofi, "Globalization operates on Internet time", www.un.org/press/en/2000/20000726.sgs7495.doc.html, (accessed August 2018), (2000).

- Barr, M.S and Miller, G.P., "Global Administrative Law: the View from Basel", *The European Journal of International Law*, Vol. 17, (2006).

- Brummer, C., "How International Financial Law Works (and how it doesn't)", *Georgetown Law Journal*, Vol. 99, (2011).

- Campbell, A., "Self-regulation and the Media", *Federal Communications Law Journal*, Vol. 51, (1999).

- Drake, William J., "Multistakeholderism: Internal Limitations and External Limits", *MIND*, No. 2, (2011).

- Dutton, William H. and Peltu, Malcolm, "The Emerging Internet Governance Mosaic: Connecting the Pieces", *Information Polity*, No. 12, (2007).

- Hofmann, J., "Multi-stakeholderism in Internet Governance: Putting a Fiction into Practice", *Journal of Cyber Policy*, 1, 1.http://news.cnet.com/A-battle-for-the-soul-of-the-Internet/2010-1071_3-5737647.html. (Accessed September 2018) (2016).

- James, Lewis, "Liberty, Equality, Connectivity: Transatlantic Cybersecurity Norms," *Center for Strategic & International Studies*, No. 141, (2014).

- Jensen, Darryn M., "The Transformation of International Law", *Policy*, Vol. 20: No. 1, (2004).

- Klein, Wächter, "Global Governance in the Information Age: GBDe and ICANN as Pilot Projects", for Co-regulation and a New Trilateral Policy?" development, Vol. 46, (2003).

- Liddicoat, J., Doria, A., "Human Rights and Internet Protocols", available in: <https://www.internetsociety.org/sites/default/files/Human%20Rights%20and%20Internet%20Protocols-%20Comparing%20Processes%20and%20Principles.pdf>, (2012), (Accessed August 2018).

- Malcolm, J., "Criteria of Meaningful Stakeholder Inclusion in Internet Governance", *Internet Policy Review*, Vol.4, No. 4, (2015).

- Milan, Stefania, "Civil Society Participation Beyond Smoke and Mirrors: An Assessment of Multi-Stakeholder Mechanisms in Cyberspace Governance," (Working Paper for the Global Governance Reform Initiative Project of the Hague Institute for Global Justice), *Policy Brief*, No.17, (2015).

- Musiani, F., "WSIS+10: The Self-praising Feast of Multi-stakeholderism in Internet Governance", *Internet Policy Review*, Vol. 2, No. 2, available at: <http://policyreview.info/articles/>(Accessed September 2018), (2013).

- Noss, Elliot, "Perspective: A battle for the Soul of the Internet," available at: zdnet.com/article/a-battle-for-the-soul-of-the-internet, (2005).

- Siganda, W., "Internet Governance and Capacity Building: A View from the Developing World", In: *Internet Policy Making (Collaborator Discussion Paper Series No.1)*, Multistakeholder Internet Dialogue (MIND) 1, Vol. 2, (2011).

- Smann, Peter, "The Future of the WTO: From Authoritarian 'Mercantilism' to Multilevel Governance for the Benefit of Citizens?" *Asian Journal of WTO and International Health Law and Policy*, Vol. 6, (2015).

- Souter, D, "Inside the Information Society: The What and Why of Multistakeholder Participation" APC (blog), available at: <https://www.apc.org/en/node/22446/>, (Accessed August 2018), (2017).

- Souter, David G., "Whose Information Society? Developing Country and Civil Society Voices in the World Summit on the Information Society", available in: [URL: http://rights.apc.org/documents/wsis_EN.pdf](http://rights.apc.org/documents/wsis_EN.pdf), (2009).

- Spier, Raymond E., "'Dual Use' and 'Intentionality': Seeking to Prevent the Manifestation of Deliberately Harmful Objectives", *Sci. Eng. Ethics* 16, (2010).

- W.A. Meier, & I.Perrin, "Media Concentration and Media Governance", *Communication*, Vol. 32, (2017).

- Weber, Rolf H., "Shift of Legislative Powers and Multi-stakeholder Governance", *Int. J. Public Law and Policy*, Vol. 1, No. 1, (2011).

- Weber, Rolf H., "Transparency and the Governance of the Internet", *Computer Law & Security Report*, Vol. 24, (2008).

- Wu, Tim and Dyson, Esther, Michael Froomkin, and Gross David, "On the Future of Internet Governance", *Amer. Soc. IL Proc*, 101, (2007).

- Zimmermann, Andreas, "International Law and 'Cyber Space'", *European Soc. International Law Reflections* 3, (2014).

